

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که از ۱۷ سسال پیش با این نام جایگاه آموزش عالی کشور شده است، در دولت دوازدهم هنوز متصدی خود را نشناخته است.

وقتی اسامی گزینه‌های پیشنهادی برای تصدی ۱۷ پست وزارت دولت دوازدهم از تریبون مجلس شورای اسلامی خوانده شد، علامت سؤال بزرگ، معرفی نشدن گزینه وزارت علوم بود. این در حالی بود که پیش از آن نام‌های متعددی از مدیران و روسای دانشگاه‌ها به عنوان گزینه نهایی دولت دوازدهم مطرح شده بود.

پاسخ دولت به سؤال دلیل عدم معرفی گزینه وزارت علوم، عدم جمع‌بندی بود و همین موضوع گمانه‌زنی‌ها را برای طرح نام‌های متعدد بیشتر از پیش کرد.

اتفاقی که در دولت یازدهم نیز رخ داد و پس از معرفی گزینه‌های متعدد و رای نیاوردن برخی از آنها در مجلس، وزارت علوم مدتی با سرپرست اداره شد و در نهایت در سال ۹۳ برای مدت ۳ سال محمد فرهادی مسئولیت وزارت علوم را برعهده گرفت.

اسما فارغ از اینکه قرعه به نام کدام یک از نام‌های مطرح در حوزه آموزش عالی برای تصدی وزارت علوم بیفتد، کوه یخ آموزش عالی در برابر این گزینه قرار دارد. کوهی که به ظاهر مجموعه‌ای از مشکلات را در قله نشان می‌دهد اما چالش‌های اصلی در زیر قله از نظرها پنهان مانده است.

در این بین اما عمده‌ترین چالش‌های پیش روی وزیر علوم دولت دوازدهم عبارتند از:

۱- «حوزه آموزشی»

درگیری میان دو عرصه آموزشی در کشور در دو سال اخیر یکی از مشکلاتی است که هر از چندی با لبخند از سوی مسئولان مربوطه به فراموشی سپرده می‌شود اما در این میان مخاطبان اصلی یعنی دانشجویان و استادان سرپردم این اختلافات هستند. در گیری اصلی میان وزارت علوم و دانشگاه آزاد، از بحث بر سر رشته‌های مورد تایید، مرجع تایید رشته‌های تحصیلی، گسترده بودن حوزه‌های آموزشی در سراسر کشور به جدل‌های تلویزیونی و رسانه‌ای رسید. در یکسال اخیر دانشجویان و استادان دالما شاهد تنش بر سر رشته‌هایی بودند که یک زمان تایید شده بود و زمانی دیگر اعتباری نداشت!

در این میان، دانشگاه آزاد از وزارت علوم به دلیل توجه به غیرانتفاعی و پیام نور شکایت داشت و وزارت علوم هم توسعه یی‌رویه دانشگاه آزاد و شهریه‌های گران این دانشگاه را در زرخش می‌کنید.

اسما رقابت در عرصه‌های آموزش عالی به گونه دیگری نیز در این مدت ادامه یافته است. دانشگاه‌های دولتی در پردیس‌های خودگردان خود رقابتی را با دانشگاه آزاد آغاز کرده بودند و آن را با افزایش شهریه‌های خود ادامه دادند.

رقابت دیگری نیز میان دو وزارتخانه آموزشی، علوم و بهداشت بر سر سرر چند رشته در سه سال اخیر بوجود آمده است که با توجه به نتیجه نرسیدن این موضوع، همچنان متولی رشته‌های تحصیلی مورد مناقشه از جمله روانشناسی بالینی مشخص نیست. رقابتی که موجب شده هر روز یکی از متولیان رشته را مال خود بدانند و روز دیگر به تکذیب متولی دیگر بپردازد.

ادغام دو دانشگاه بزرگ فنی حرفه‌ای و علمی کاربردی که ماموریت‌هایی مشابه و نزدیک به هم داشتند نیز از مباحث یک سال اخیر بود. در این مدت به دلیل طرح آمایش آموزش عالی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شد، موضوعی با عنوان ماموریت گرایي دانشگاه مطرح شد که از تبعات این ماموریت گرایي طرح موضوع ادغام دو دانشگاه فنی حرفه‌ای و علمی کاربردی بود.

این موضوع با مخالفت هر دو دانشگاه مواجه شد و از سوی دیگر به دلیل کاربردی بودن و شکل مهارتی رشته‌های این دانشگاه‌ها، هنوز نظر قطعی در مورد این دو دانشگاه اعلام نشده است. در این میان تنها مدیر دانشگاه علمی کاربردی بر اصلاح روند فعلی این دانشگاه تاکید کرده است. هنوز تکلیف ادغام و یه تجمیع این دو دانشگاه مشخص نشده است.

تغییرات در سطح کلان دانشگاه‌ها نیز اعتراضاتی را به همراه داشته است. در این مدت اساتید دانشگاه پیام نور به شدت با تغییرات اساسنامه این دانشگاه مخالفت کرده‌اند که این موضوع پس از رسانه‌ای شدن واکنش وزارت علوم را نیز در پی داشت. اساتید معتقد هستند که علاوه بر اینکه تغییرات اساسنامه دانشگاه باید با نظر آنها صورت گیرد، از سسوی دیگر این تغییرات به نفع خانواده دانشگاه پیام نور نیست که این موضوع از جانب وزارت علوم رد شده و تغییرات را تنها به روزرسانی قوانین برشمرد است.

آمایش آموزش عالی اگرچه در این دوره سرانجام ابلاغ شد اما نظارت بر حسن اجرای آن به عنوان مهم‌ترین طرح آموزشی در حوزه وزارت علوم، هنوز چالشهایی دارد.

البته چالش‌های آموزش عالی در حوزه آموزشی نه هیچ عنوان به

درباره بیم و امیدهای آموزش عالی در ۴ سال پیش رو «کوه یخ» در برابر وزیر علوم!



دانشجویان دکتری در دوره دولت یازدهم وزارت علوم نیز با کشمکش‌های زیادی مواجه شدند. هر بار یک موضوع درباره پژوهانه، وام و کمک هزینه تحصیلی برای این دسته از دانشجویان مطرح شد که همین عدم ثبات در فرآیند کمک هزینه به سر خوردگی بخشی از این دانشجویان انجامید.

دو

موردی که گفته شد محدود نیست اما این موارد بیش از آنچه که به نظر می‌رسد بر سرنوشت و تحصیل دانشجویان و کار استادان سایه انداخته است. اعتبار و بی‌اعتباری رشته، تعیین متولی، نظام خدماتی و آینده کاری یک رشته و هزاران موضوع دیگر در گرو این عملکرد قرار گرفته است.

مشکلاتی نظیر بی‌انگیزگی دانشجویان و اساتید، به روز نبودن سرفصل‌های درسی، باری به هر جهت طی کردن آموزش، آیین نامه‌های خاک خورده نیز موجب شده است دانشگاه‌ها در مسیر حرکت خود چندان که باید چالاک نباشند.

۲-«حوزه دانشجویی»

حوزه خدمات دانشجویی از جمله خوابگاه، وام دانشجویی، کمک هزینه تحصیلی، شوراهای صنفی، مشاوره، تغذیه و امکانات رفاهی از جمله حوزه‌هایی هستند که هم پول زیادی نیاز دارند و هم توجه و رسیدگی دائم، اما در دوره وزارت علوم دولت یازدهم با چالش‌های فراوان مواجه شد.

هرچند صندوق رفاه دانشجویان سعی کرد که میزان وام‌ها را تا حدی افزایش دهد که دانشجویان با مشکلات کمتری مواجه شوند

وزیر علوم آینده بیش از هر چیز باید بداند که مشکلات آموزش عالی تنها قله این کوه نیستند، بلکه همچون کوه یخ در لایه‌های زیرین خود دارای مشکلات فراوانی است.

دو

اما چالش‌های بزرگی نیز در این دو سال‌گریبانگیر دانشجویان شد. از مسمومیت‌های خوابگاهی به دلیل مشکلات غذایی تا بستن در خوابگاه در تابستان بر روی دانشجویان در هوای گرم اهواز. کمبودهای خوابگاهی را بیش از پیش نشان داد.

بخش عمده‌ای از دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی بی کیفیت زندگی می‌کنند و در حالی که خوابگاه خانه دوم دانشجو محسوب می‌شود بسیاری از خوابگاه‌ها با شرایط مطلوب فاصله دارند. این کمبودها هر بار در جایی بروز می‌کند، یک بار وسایل گرمایشی و سرمایشی فراهم نیست، روز دیگر باری نقل و انتقال به دانشگاه وسیله نقلیه کم است و روز دیگر کمبود رسیدگی به امور بهداشتی موجب مسمومیت غذایی می‌شود.

دانشگاه Daneshgah@Kayhan.ir

درباره بیم و امیدهای آموزش عالی در ۴ سال پیش رو

مجلس به سر می‌برد و اجرای دقیق آن از مسئولیت‌های وزیر جدید است. «دانشگاه کارآفرین» و «دانش بنیان شدن صنعت» به رویا بدل شده اند، رویایی که شاید وقتی دیگر که ارتباط دانشگاه و صنعت واقعی شدند رنگ حقیقت به خود بگیرد. وزیر علوم آینده با این دو کلید واژه می‌تواند بخش زیادی از مشکلات کشور را در حوزه‌اشتغال و آموزش حل کند.

سال‌های بسیاری است که دانشگاه‌ها از عدم ارتباط با صنعت می‌نالند و از سسوی مقابل نیز صنعتگر این پل را شکسته می‌بیند، طوفان ایجاد شرکت‌های دانش بنیان که به کمک تسهیلات مالی ویژه در حال وزیدن است، قرار استت این ارتباط را تسهیل کند اما هنوز که هنوز است دفاتر ارتباط با صنعت در دانشگاه خاک می‌خورد و تنها در برخی از دانشگاه‌ها، کارهای واقعی و ملموس انجام می‌شود. البته شاید هنوز در ابتدای راه دانش بنیان شدن قرار داریم اما در حالیکه دانشگاه‌های نسل سوم در حال فتح جهان هستند ما دیگر نباید درس‌های دیگران را دوره کنیم. دانشگاه‌های کشور نیاز به حرکت سریع‌تر و اهداف روشن و مدون دارند. این امر می‌تواند یکی از مهم‌ترین برنام‌های وزیر علوم آینده باشد.

۴-«حوزه فرهنگی»

کرسی‌های آزاد اندیشی موضوعی است که چند سال است به طور جد مورد تاکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است. این تاکید همواره در دیدارهای سالیانه دانشگاهیان و دانشجویان مورد توجه بوده است. اما هنوز با اجرای درست آن فاصله زیادی دارد. در حالی که منویات مقام معظم رهبری درباره کرسی‌های آزاد اندیشی کاملا مشخص و روشن بیان شده است اما مجریان در سطح دانشگاه‌ها هنوز نتوانسته‌اند فضای مطلوبی برای اجرای این کرسی‌ها فراهم کنند.

سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها به عنوان یکی از اسناد مهم که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد یکی از مهم‌ترین اسنادی است که دانشگاه‌ها را به سمت اسلامی شدن پیش می‌برد. این سند چند راهبرد اصلی دارد و با وجود اینکه ریاست شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها بر عهده وزیر علوم است اما هنوز خروجی مناسبی از اجرای سند اسلامی شدن در دانشگاه‌ها دیده نشده است.

برخی از دانشگاه‌ها در حال اجرا و در مقابل برخی دیگر مواجهه‌ای با این سند نداشته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از وظایف مهم وزیر علوم آینده توجه به اجرای درست سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها است.

اما یکی از نشانه‌های فضای باز دانشگاه‌ها، فعالیت تشکل‌های دانشجویی با سلاقی مختلف در دانشگاه‌ها است. با وجود اینکه در دوره دولت یازدهم وعده داده شد که فضای باز سیاسی در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود اما ابراز نگرانی برخی از اعضای تشکل‌ها نشان می‌دهد که این موضوع در حد وعده باقی ماند. تغییرات ناگهانی در ایجاد تشکل‌های دانشجویی، برگزاری نشتن انتخابات برای برخی از تشکل‌ها و اعتراض تشکل‌های بزرگ به برخی محدودیت‌ها در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که تشکل‌های دانشجویی در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده‌اند.

بسه گزارش مهر؛ وزارت علوم در دوره جدید با مطالبات جدی در حوزه مسائل فرهنگی دانشگاه‌ها روبرو است و وزیر دولت دوازدهم می‌تواند با پیگیری این مطالبات و بهره گیری از نیروی جوان و با انگیزه تشکل‌های دانشجویی، به مطالبات پاسخ درخوری دهد.

وضعیت دانشگاه و دانشجو تنها به این ملاحظات که از آن سخن گفته شد، منحصر نمی‌شود و بسیاری از مسائل باید در برنامه‌های وزیر آینده علوم جای گیرد که جای‌اش در این مقال نیست. اما وزیر علوم آینده بیش از هر چیز باید بداند که مشکلات آموزش عالی تنها

«دانشگاه کار آفرین» و «دانش بنیان شدن صنعت» به رویا بدل شده اند، رویایی که شاید وقتی دیگر که ارتباط دانشگاه و صنعت واقعی شدند رنگ حقیقت به خود بگیرد. وزیر علوم آینده با این دو کلید واژه می‌تواند بخش زیادی از مشکلات کشور را در حوزه‌اشتغال و آموزش حل کند.

دو

شوک دیگری که به حوزه پژوهشی کشور وارد شد کشف یک شبکه خرید و فروش مقاله بود. در حالی که وزارت علوم دولت یازدهم طرح «مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» را به دولت یازدهم ارائه کرده بود و پس از سه سال این طرح به مجلس برای تصویب ارائه شده و در پیچ و خم تصویب بود، ناگهان خبر رسید که ۸۵هـ مقاله ایرانی از سسوی یک نشریه بین‌المللی رد شده‌اند و دلیل رد آن نیز تقلب بوده است.

این موضوع آنچنان اهمیت داشت که دو وزار تخانه علوم و بهداشت به این موضوع پرداختند و متخلفان که در دانشگاه‌های دولتی بودند، توبیخ شدند. این موضوع شسوک اور، موجب شد زرخش کهنه اساتید درباره اهمیت بیش از اندازه به مقاله به عنوان راهکاری برای ارتقاء باز شود و گلابه‌های فراوان از سوی اساتید مطرح شود که اگر اجبار مقاله نباشد هیچ کس به متقاضی این نوع تخلفات بدل نمی‌شود.

اکسون لایحه برخورد با تقلب علمی در مرحله آخر تصویب در

صفحه ۸ چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶ ۸ دیچه ۱۴۲۸ - شماره ۲۱۷۱۰

دیدگاه دانشجویی

منابع ملی

در کدام دولت به هدر رفت؟!

مستولان دولتی و رسانه‌های وابسته به آن‌ها بارها و بارها از هدر رفت منابع ارزی کشور در ده سال گذشته سخن گفته‌اند. در این نوشته سعی می‌شود با نگاهی دقیق، پرده از حقیقت این موضوع برداشته شود.

یکی از تاکیدات دولتردان در نقد سیاست‌های دولت قبل، مربوط به ازبین رفتن منابع کشور در دوره ۸۴-۹۱ بوده است. موضوعی که به دفعات مورد اشاره رئیس‌جمهور و معاون اول وی قرار گرفته و چندین بار با تکرار این مطلب که ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی در دوره قبل از بین رفته، سعی در القای به تراج رفتن منابع کشور داشتند.

با این حال در این نوشته برآنیم که مشخص شود آیا این درآمد ارزی به تراج رفته و اینکه آیا این درآمد همان‌طور که دولتمردان فعلی می‌اندیشند، بی‌سابقه بوده است؟

نگاهی به آمارهای رسمی بانک مرکزی مشخص می‌کند، مجموع درآمدهای نفتی و میعانات نفتی در زمان دولت نهم و دهم معادل ۶۳۱ میلیارد دلار بوده که ارزش ریالی آن بیش از ۶۲۵ هزار میلیارد تومان می‌شود. لولاً این نکته‌ای که در این میان باید گفت، غلط بودن رقم ۷۰۰ میلیارد دلار می‌باشد، چه اینکه این رقم با رقم ادعایی دولت رقم قابل توجهی در حدود ۷۰ میلیارد دلار فاصله دارد.

حال، به بررسی نحوه هزینه‌کرد این درآمدها می‌پردازیم تا نشان داده شود، همانطور که ادعا شده، در درآمدهای نفتی با واردات از چین و ایجاد اشتغال برای چینی‌ها از بین رفته است یا خیر؟!

براساس گزارش بانک مرکزی مجموع پرداخت‌های جاری و عمرانی کشور به ترتیب ۱۵۱ و ۲۷۷ هزار میلیارد تومان بوده که برابر با مجموع درآمدهای دولت در بودجه(شامل درآمدهای نفتی، مالیاتی، واکذاری‌ها و...) که معادل ۶۲۷ هزار میلیارد تومان است، می‌باشد.

لذا تمام این هزینه‌ها و مصارف، طبق قوانین بودجه بوده و مشخص است در چه ردیف‌هایی خرج شده و اینکه دولتمردان کنونی به طور مداوم درباره حیف و میل شدن و از بین رفتن منابع ارزی سخن می‌گویند، بی‌معنی است. اما آنچه که در این بررسی اهمیت زیادی دارد، میزان درآمدهای ارزی دولت نخست آقای روحانی است. هر چند در این دوره قیمت نفت کاهش پیدا کرد و به پایین‌ترین ارقام طی چند سال اخیر رسید ولی افزایش میزان فروش نفت که در برخی برهه‌ها نسبت به اواخر دولت قبلی ۲/۵ برابر شد، توانست به یاری درآمدهای کشور بیاید.

این افزایش درامدی تا حدی بود که در دوره ۹۲-۹۵ حدود ۲۲۹ هزار میلیارد تومان از فروش نفت به خزانه واریز شد و بالا بودن این رقم، زمانی درک می‌شود که بدینهم مدت زمان مشابه چهار سال قبل از این دولت، کمتر از ۱۵۹ هزار میلیارد تومان بوده است؛ که نشان می‌دهد درآمدهای نفتی در دولت روحانی نسبت به دولت قبلی‌اش، حدود ۴۵ درصد افزایش داشته است! همان‌طور که در بالا گفته شد، این ادعا که درآمدهای ارزی کشور در دوره قبل به هدر رفته، سخنی علمی و منطقی نیست، چراکه هر گونه هزینه طبق قانون مربوط به خود انجام می‌شود، اما یکی از مواردی که می‌تواند مصداق مجاز نادرست دولت نام بگیرد، افزایش نسبت هزینه‌های عمرانی به هزینه‌های جاری است. به عبارت دیگر اگر بخوایم یک‌جا هم از واژه «هدر رفت منابع» استفاده کرد، مربوط به همین شاخص است. چنانچه در ابتدای دولت فعلی این نسبت به میزان ۱۸/۳ درصد بود که متأسفانه در هشت ماهه سال ۹۵ به ۱۲/۱ درصد کاهش پیدا کرده است، یعنی هزینه‌های جاری زیاد و هزینه‌های عمرانی نیز کمتر شده است!

اما این تمام آنچه که ضعف مدیریت منابع نامیده می‌شود نیست، چراکه در طول چهار سال فعالیت این دولت، از ۳۷۰ میلیارد دلار درآمد ارزی(شامل درآمد صادرات نفت، صادرات غیرنفتی و صادرات خدمات) حدود ۳۱۴ میلیارد دلار آن را صرف واردات (شامل کالا و خدمات) کرده که معادل ۸۵ درصد درآمدهای ارزی است. (در حالی که این رقم برای دولت دهم معادل ۷۵ درصد بوده است)

به عبارت دیگر؛ در حالی دولت روحانی، دولت قبل را متمم به هدر رفت منابع ارزی به دلیل واردات زیاد می‌کند که خود این دولت رکورد دولت قبل را شکسته و حتی ۱۰ درصد بیشتر از دولت قبل منابع ارزی را صرف واردات کرده است. لذا اگر طبق ملاک خود دولتی‌ها بخواهیم نظر دهیم، باید بگوییم در این دولت منابع بیشتری نسبت به دولت قبل به تراج رفته است!

نگاهی متصفانه به آمارهای موجود نشان می‌دهد، دولت فعلی در زمینه‌هایی مانند اسعالم آمار درآمدهای ارزی دولت قبل و اعلام هدر رفتن منابع در آن دوره؛ نه تنها از منظر علمی و حقیقی صحیح نیست، بلکه عملکرد خودشان به مراتب اسفابتر بوده و تنها چیزی که در توجیه این گفته‌ها می‌توان پذیرفت، این است که به خاطر مسائل سیاسی و جناحی مطرح شده‌اند، ولاغیر!

*** طاهره فیض آبادی فراهانی دانشجوی اقتصاد**

اخراج و عدم پذیرش در صدر اعتراض‌ها

آمارهایی از شکایات دانشگاهیان



برگزار کرده است که اعتراض به عدم پذیرش در مقطع دکتری و نتایج مصاحبه‌های تخصصی، تبدیل مدارک معادل به رسمی، اعتراض به اخراج آموزشی، تقاضای اجزازه ادامه تحصیل و... از موضوع شکایت کارگروه مذکور است.

۱۸۰ پرونده نیز به کارگروه دانشجویی هیئت عالی تجدید نظر دانشگاه‌ها ارائه شده که ۳۹ پرونده، آماده طرح در کارگروه بوده یعنی ۲۷ درصد، ۱۰۳ پرونده، مختمومه و تعیین تکلیف شده یعنی ۲۷ درصد و ۳۸ پرونده در جریان بوده یعنی ۲۶ درصد است. با مکتوبات صورت گرفته با دیوان عدالت اداری و شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعلام مشکلات مطروحه، تعداد پرونده‌های ارجاعی با موضوع شکایات غیرمربوط روند نزولی داشته است. در سال جاری با تشکیل منظم جلسات هیئت عالی به صورت ماهانه و افزایش تعداد کارگروه‌ها روند رسیدگی به پرونده‌ها تسریع شده است.

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه تشکیل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم

صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بابت‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی با سببسی مرتب با مقالات دانشجویی استقبال می‌کند.علاقه‌مندان می‌توانند فایل حرفه‌جی‌شده مطالب منظر خودرا به راتنامه Daneshgah@Kayhan.ir نامبار ۲۳۱۱۱۱۱۰۲۱۳ /ارسال نمایند.بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یاعدم انتشار متون ارسالی، آزاد است.

«هیئت عالی تجدیدنظر در مورد آراء و تصمیمات واجد شئون

علمی، آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها»، اواخر سال ۹۴ براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تشکیل شد.

براساس این مصوبه، تصمیمات و آراء صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی که دارای شئون علمی، آموزشی و پژوهشی باشند، از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج شده و در صلاحیت هیئت عالی تجدیدنظر مستقر در وزارت متبوع قرار گرفت.

به این منظور، کارگروه‌های تخصصی دانشجویی، هیئت علمی و ویژه، به منظور بررسی شکایات، تهیه گزارش و ارائه پیشنهاد برای صدور حکم توسط هیئت عالی، در دبیر‌خانه هیئت مستقر در دفتر حقوقی وزارت تشکیل شد.

با توجه به گذشت بیش از یک‌سال از فعالیت هیئت عالی تجدید نظر دانشگاه‌ها، گزارشی از عملکرد دبیر‌خانه هیئت عالی تجدید نظر از ابتدای تشکیل تاکنون توسط دکتر محمد روشن معاین حقوقی و امور مجلس وزارت علوم تهیه شده است که گزیده‌ای از آن به شرح زیر است :

«با توجه به ارسال بیش از ۲۰۰ پرونده از دیوان عدالت اداری با موضوعات مختلف دانشجویی، هیئت علمی و غیره، در وهله نخست پرونده‌های مزبور توسط کارشناسان حقوقی مطالعه و بررسی و به لحاظ موضوعی به سه گروه دانشجویی، هیئت علمی و ویژه تقسیم و طبقه بندی شد و با کلاسه جدید ثبت و بایگانی شدند.

پس از تقسیم بررسی و تکنیک پرونده‌های سه‌گانه و بررسی مجدد پرونده‌ها، تعداد قابل توجهی از پرونده‌ها حدوداً نیمی از پرونده‌ها، آماده طرح در کارگروه مربوطه تشخیص داده نشدند و اقدامات لازم برای تکمیل پرونده‌ها جهت طرح در جلسه کارگروه به عمل آمد.

برخی از پرونده‌ها در صلاحیت هیئت عالی نبودند. برخی موضوع شکایات در خصوص شئون شغلی اشخاص یا موضوعات اداری و استخدامی و با حسب مفاد شیوه نامه مصوب هیئت عالی، موضوع شکایات مرتبط با صلاحیت‌های جذب اعضای هیئت علمی بود. لذا تعدادی از پرونده‌ها خارج از صلاحیت هیئت عالی تشخیص شدند و شد و با تصویب هیئت عالی به دیوان عدالت اداری و مرکز جذب اعضای هیئت علمی ارسال شد.

با توجه به درخواست رئیس حوزه ریاست قوهقضائیه طی نامه‌ای در دی ماه ۹۴ مبنی بر ارسال پرونده‌های شکایات دانشجویان بورسیه، تعداد ۱۳ فقره پرونده از جایی به خواسته اعتراض به لغو بورس تحصیلی ارجاعی از شصم دیوان و پرونده‌هایی که شاکیان مستقیماً در این دبیر‌خانه اقدام به طرح شکایات نموده بودند، به قوه قضائیه ارسال شد.

^[1] هیئت عالی تجدیدنظر در مورد آراء و تصمیمات واجد شئون

^[2] هیئت عالی تجدیدنظر در مورد آراء و تصمیمات واجد شئون